

* آثار امر به معروف و نهی از منکر در حوزه‌های اجتماعی*

□ مریم سعیدیان جزی^۱

چکیده

هدف اصلی تحقیق، اثبات ضرورت وجودی امر به معروف و نهی از منکر در حوزه اجتماعی و پاس داشت آن است. این تحقیق بخشی از ابعاد فردی این مقوله را از منظر تفکر اجتماعی - تاریخی دین مدار بر محور دین اسلام و با تأکید بر دستاوردها ارائه داده است. امر به معروف و نهی از منکر یک مسأله عقلی و واجب دینی است که آحاد افراد جامعه ایمانی نسبت به آن مکلف هستند. این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که «نسبت میان امر به معروف و نهی از منکر با اجتماع انسانی چیست و دستاوردهای آن در این حوزه کدام است؟». مطابق با این امر، تحقیق، در سه محور تنظیم شده است. نخست مفهوم و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، به طور مختصر، بیان شده است. در ادامه، دستاوردهای اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر از دو حیث نظری (کلآن) و عملی (کارکردی) طرح و از حیث عملی، این دستاوردها در سه حوزه سیاسی، تربیتی و عمومی تفکیک یافته است. آنچه از این مسأله به دست می‌آید، آن که امر به معروف و نهی از منکر موثر محركه جامعه ایمانی و رمز پویایی آن است و پویایی این فریضه الهی در جامعه ایمانی، نشانه سلامت اخلاقی و تعالی معنوی جامعه و صamen

امنیت و حرکت آن بر مدار آموزه‌های دینی و احکام الهی است. امر به معروف و نهی از منکر با ارائه یک الگوی جامع توحیدی از زندگی مبتنی بر پایه‌های ایمانی و قائل شدن به حق الهی انسان بر تعیین سرنوشت خود، در فراهم آمدن کمال اجتماعی و جامعه توحیدی سهم به سزاگی دارد، که از آن جمله می‌توان به تعریف کار ویژه‌های محوری در حوزهٔ تربیتی و تحکیم مناسبات اجتماعی، حضور فعال در حوزهٔ سیاسی (حکومتی) و عمومی، تقویت ایده‌های تعالی انسانی و حفاظت از حریم الهی - انسانی اشاره کرد. در این مقاله با استفاده از متون اسلامی و روش تحلیلی - روایی و اسنادی؛ فرصتی برای فهم بیشتر این فریضه الهی صورت گرفته است. امید که رهیافت مناسبی برای مدیران فرهنگی باشد و توفیق بیشتری برای همگان فراهم آید تا بیش از پیش، به پاس داشت و حراست از آن اهتمام نمایند.

واژگان کلیدی: امر به معروف، نهی از منکر، حاکمیت، امنیت اجتماعی، توسعهٔ عمومی.

مقدمه

«امر» در لغت به معنای دستور دادن (معین، ۱۳۶۲، ۳۵۱/۲) و «نهی» به معنای منع کردن آمده است (همان، ۴۴۰/۳) و منظور از امر به معروف، فرمان دادن به کار نیک و شرعی است (همان، ۴۲۳۰). چنان که منظور از نهی از منکر، بازداشت از کار زشت و عملی است که خلاف رضای خدا باشد (همان، ۴۴۰/۴). این دو صفت ملازم یکدیگر و همراه هم هستند؛ بدین معنا که آمر به معروف، همان ناهی از منکر هم می‌باشد.

ضرورت امر و نهی بر هیچ کس پوشیده نیست. نخستین کسی که به این امر مهم اقدام نموده، خدای متعال است. چنان که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰). امام حسین علیه السلام فرمود: «خداؤند از امر به معروف و نهی از منکر به عنوان فریضه‌ای از جانب خود آغاز کرده است، چون می‌دانسته هرگاه این فریضه ادا گردد و بر پای داشته شود؛ تمام فرایض دیگر از آسان و دشوار، بر پای داشته خواهند شد» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۲۳۷). علاوه بر این یکی از ابعاد ضرورت وجود انبیاء ﷺ، برای دعوت مردم به حق و پرهیز دادن آنان از

طاغوت؛ با استفاده از همین اصل قابل دریافت است (نحل/۳۶) و پس از آن گروه‌های مختلف، اعم از حاکمان، عالمن و آحاد مردم موظف به انجام این فریضه می‌باشند (توبه/۷۱). این مقوله همچنین یکی از ابعاد مهم سیره و شخصیت پیامبر ﷺ و ائمهٔ معصومین علیهم السلام است (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۲۳۷) و ترک آن از منفورترین اعمال به شمار می‌رود (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ۱۷۶/۶).

پژوهش‌های انجام شده در حوزه امر به معروف و نهی از منکر بیان‌گر آن است که این گروه، از جهت فهم دینی، دامنهٔ موضوعی و روش‌شناسی و رویکرد دارای تفاوت‌هایی هستند و مطابق با هدف تحقیق در سه گروه معمول تحقیقات بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی قرار می‌گیرند. رویکردهای نظری تحقیقی این آثار، در جهت آن بوده تا امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک امر مولوی مبتنی بر آموزه‌های دینی و ضرورت فردی و اجتماعی جامعهٔ امروزی ارائه نمایند و در این راستا از رویکردهای اخلاقی، عقلاتی و تجربی بهره گرفته‌اند.

با توجه به مسائل مختلفی همچون ضرورت ارائهٔ رهیافت‌های مدیریتی و فرهنگی، ارائهٔ الگوی مناسب و جامع دربارهٔ آیندهٔ جامعهٔ اسلامی، دریافت موانع و چالش‌های موجود و پیش رو و مواجههٔ منطقی با پیشامدهای امروز، لزوم تحقیق بیشتر و جدی‌تر را در این حوزه می‌طلبد.

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مصادیق جامعیت، جاودانگی و پویایی دین اسلام است. این گونه آموزه‌ها برای تحقق کامل شریعت و تطابق جامعهٔ انسانی با هدف خلقت و نزول وحی، ضروری و اصولی است. شناخت امر به معروف و نهی از منکر و آثار آن در جامعهٔ انسانی از ابعاد مختلف قابل بررسی است و ضرورت تحقیق و پژوهش در فهم جایگاه و کارکرد این مهم در حوزه‌های مختلف تربیتی، فرهنگ عمومی، مسائل اجتماعی، حاکمیتی، تأمین معاش و مسائل اقتصادی احساس می‌شود. سؤال این است که «کارکردهای امر به

معروف و نهی از منکر در حوزه‌های اجتماعی چیست؟ آیا امر به معروف و نهی از منکر، قادر به مقابله با پدیده‌های معارض با ساحت دین یا کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت مناسبات اجتماعی و هدایت جامعه است؟». در ادامه این مسائل با رویکرد روایی - تحلیلی مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف - دستاوردهای امر به معروف و نهی از منکر در حوزه اجتماعی از حیث نظری

۱. بینش صحیح نسبت به حقیقت عالم

اندیشه مبتنی بر انسان‌گرایی مادی و رها شده در طبیعت محض، که از معرفت نسبت به حقیقت هستی و خلقت بی‌بهره است به غلط تصور می‌کند احکام و اوامر الهی - که امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارکان آن به شمار می‌رود - در تزاحم با منافع و آمال انسانی است و سبب محدودیت و محرومیت در بهره‌برداری از لذاید دنیوی می‌شود.

محدودیت نگرش و دنیا‌گرایی، دو بنای محوری اندیشه‌های مادی گراست. در حالی که امر به معروف و نهی از منکر با باور به توحید و خدامحوری، این نگرش را به چالش کشیده و آن را مانع اصلی دست‌یابی به کمال و حقیقت می‌داند. سپس نگرش انسان را به هستی و خود و هر چه در دایره خلقت هست، تغییر می‌دهد و فهم و عمل او را مقید به معرفت می‌کند (ابن کرامه، ۱۴۲۰ق، ۹۹). در پرتو این معرفت، حیات دنیایی و حضور انسان، نه تنها بیان گر حکمت و کمال خالق، که فرصت و مرحله‌ای برای سعادت، رستگاری و جاودانگی حقیقی است (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۹ق، ۷۰/۲). جالب است که در اخبار و نصوص دینی، غوطه‌ور شدن در دنیا و تفکر دنیامداری با تعبیر زیبایی همچون «سکره» به کار رفته، که علت آن دورشدن از زندگی ایمانی و نشانه‌اش، غفلت از فریضه امر به معروف و نهی از منکر است. رسول الله ﷺ فرمود: «دو مستی در شما پدید می‌آید؛ مستی نادانی و مستی عشق به زندگی، پس تغییر می‌کنید و دیگر نه امر به

معروف می‌کنید و نه نهی از منکر» (ابونعیم، ۱۹۳۵، ۴۹/۸).

﴿۱۶۷﴾

۲. امکان فعلیت یافتن استعدادهای بشری

امر به معروف و نهی از منکر نسخهٔ شفابخش همهٔ دردهای انسان، در همهٔ حیطه‌های وجودی است. شاید بتوان گفت یکی از جهاتی که در احادیث و اخبار دینی، امر به معروف و نهی از منکر را با جهاد در راه خدا برابر دانسته (همان) و حتی بالاترین قسم جهاد دانسته‌اند، همین باشد. عمل به این فرضیه انسان را می‌سازد و استعدادهای بالقوه‌اش را بالفعل می‌گرداند. هم از درون او را آمادهٔ محاربه با هوای نفس می‌گرداند و هم در بیرون و اجتماع، به او مصونیت و امکان مشارکت می‌دهد. در چنین حالتی است که سلامت معنوی و رشد اجتماعی به دست می‌آید. امام علی علیه السلام فرمود: «تمام کارهای نیک حتی جهاد در راه خدا، در برابر امر و نهی همچون دمیدن به دریایی مواج است» (سیدرضا، ۱۳۷۴، ۱۳۸۱). در حدیثی دیگر آن را «افضل اعمال مردم» (آمدی، ۱۳۶۶، ۱۹۷۷) و از بالاترین درجات خیر می‌دانند (کلینی، ۱۳۸۹، ۶۰/۶).

۳. تأکید بر معرفت وجودی

یکی دیگر از آثار وجودی امر به معروف و نهی از منکر از حیث نظری، ایجاد نوعی از معرفت است که می‌توان آن را معرفت وجودی تلقی کرد. در این حالت انسان بما هو انسان، با علم حضوری (خدادادی)، خیر و شر را می‌یابد و امر به معروف و نهی از منکر در مقام بیان الهی، صرفاً تذکاری برای تنبه و بیداری این ساحت از وجود انسان است. از وجود رسول گرامی اسلام علیه السلام است که فرمود: «نفست (قلب)، حقیقت را برای تو می‌گوید. دستت را بر روی سینه‌ات بگذار، زیرا قلبت از حلال آرامش و از حرام تشویش پیدا می‌کند...» (متقی، بی‌تاء، حدیث ۷۳۰۶). بیدار کردن وجود انسان، ایجاد تنبه و بیداری است و چنانچه حقی از کسی ضایع شده یا در این زمینه سهو یا تغافل صورت گرفته، امکان

بازگشت و استرداد آن فراهم میشود. یعنی احساس توبه و ندامت - که نشانه بیداری و سلامت است - انسانها را از تجاوز به حریم یکدیگر بازمیدارد. به نظر میرسد امام حسین علیه السلام در خطبه معروف خود در مکه مکرمه - که بر محور اصل امر به معروف و نهی از منکر است - بر معرفت وجودی و ارشادی امر به معروف و نهی از منکر بیشتر تأکید کرده‌اند (کلینی، ۱۳۸۹ق، ۵۶/۵؛ ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۲۳۷).^۴

۴. تلازم نظام تکوین و تشریع

با درنظر گرفتن ماهیت، حقیقت و تلازم این مقوله با کمال دینداری معلوم می‌گردد عمل به این فرضیه شرط بندگی، سبب نزول برکات و نعمات و دفع بلاها و نقمات شده و انسان را در مسیر متوازن و متعادل همسو با نظام تکوین و تشریع قرار می‌دهد. امام علی علیه السلام فرمود: «این دو صفت نه مرگی را نزدیک می‌کند و نه از روزی کسی می‌کاهد» (سید رضی، ۱۳۸۱، خ ۱۵۵). همچنین از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر باعث حلال شدن مکاسب می‌شود» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ۵۶/۵). عمل به معروف و نهی از منکر، از نشانه‌های پویایی در جامعه دینی است، چنان‌که پیامبر اکرم علیه السلام آن را از جمله دلایل بارز «علی بینة من ربکم» خوانده است (متقی، بی‌تا، ۲۱/۱).

می‌توان گفت یکی از علل تداوم و رواج گناه، آن است که فرصت توبه و تنبه در فرد ایجاد نمی‌شود. بنابراین با امر به معروف و نهی از منکر به جهت ویژگی نظارتی و کنترلی که دارد؛ می‌توان از بروز خطاهای و اشتباهات در ابعاد مختلف اجتماعی جلوگیری نموده یا به سرعت برای رفع و جبران آن اقدام نمود؛ پیش از آن که به بحران منجر شود.

۵. ارائه الگوی جامع ولایت‌مدار

امر به معروف و نهی از منکر «راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است....»

(کلینی، ۱۳۸۹، ۵/۵۶). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و باید از میان شما گروهی به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته و ادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند و چون کسانی مباشید که پس از آن که دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند و برای آنان عذابی سهمگین است» (آل عمران/۱۰۴-۱۰۵). قرار گرفتن در مسیر عبودیت و کمال، جز با اطاعت اوامر و نواحی الهی و تبعیت از سنت و سلوک انبیاء و اوصیاء^{علیهم السلام}، ممکن نخواهد بود. چنان که خداوند، رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} را سند و اسوه اهل ایمان قرار داده است (احزاب/۲۱) و به واسطه وجود آن حضرت و پیشوایان معصوم^{علیهم السلام}، بشر را به سمت هدایت و سعادت و رستگاری رهنمون گردید و آنان را واسطه فیض و کمال قرار داد. البته بدیهی است برحورداری از این نعمت عظیم لوازم و مقدماتی دارد که امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود. رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ پیش از آن که من را بخوانید و پاسختان ندهم، یا از من بخواهید و عطایتان نکنم، یا از من یاری طلبید و یاری تان نرسانم» (ابن حنبل، بی‌تا، ۹/۴۵). معلوم می‌گردد رابطه انسان با ولی الهی، یک رابطه حقیقی است و غفلت از این مسأله باعث محرومیت فرد، از هدایت و برحورداری از نعمات می‌شود. رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود: «از ما نیست کسی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند» (همان، ۱/۷۷۵). رسول اکرم^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدانید اساس امر به معروف و نهی از منکر این است که به سخن من بفرجامت و آن را به کسی که حاضر نیست، برسانید و او را به پذیرش آن فرمان دهید و از مخالفتش او را بازدارید که آن فرمانی از جانب خدای من است» (طبرسی، ۳/۱۴۰، ۱/۱۵۷).

۶. گسترش دین

یکی دیگر از ابعاد اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر، نشر عقاید صحیح و معارف ناب اسلام است. چه بسا ریشه بسیاری از جریان‌های عقیدتی، فهم ناقص

و نادرست از عقاید حقه است. عمل به این فریضه، سبب نشر معارف و حیانی و محو عقاید باطل و شبههناک شده و از اختلاف و تفرقه آراء جلوگیری می‌کند. امام باقر علیه السلام فرمود: «به وسیله این فریضه مذاهب آرامش می‌گیرد» (کلینی، ۱۳۸۹ق، ۵۶/۵). بدیهی است امر به معروف و نهی از منکر دعوت به حق و نشر فضایل و ارزش‌هast؛ اما چه بسا عدم معرفت نسبت به حقیقت دین و معارف و حیانی، باعث ظهور آثاری شود که جبران آن سخت خواهدبود. از این رو یکی از راههای مقابله با منکر، اجرای قانون در خصوص متجاهران و تجاوز‌کاران است تا به واسطه آن در جامعه امنیت و آسایش برقرار شود. رسول اکرم علیه السلام فرمود: «رسوایی دنیا از رسوایی آخرت آسانتر است» (ابن سلامه، ۱۴۰۵ق، ۱۷۰/۱).

ب - دستاوردهای امر به معروف و نهی از منکر در حوزه اجتماعی از

حیث عملی

۱. در حوزه سیاسی

کارکردهای هر نظام سیاسی براساس اهداف، موانع و منابع آن قابل احصاء و ارزیابی است. امر به معروف و نهی از منکر، آرمان‌اندیشی، واقع‌گرایی و مسؤولیت‌پذیری مردم و حاکمیت‌ها را توسعه می‌دهد و با افزایش توانمندی اجتماعی، زمینه سلامت و بقاء جامعه را فراهم می‌آورد. در این حوزه معلوم می‌گردد که انسان و جامعه دیندار باید نسبت به پیشامدهای اجتماعی احساس مسؤولیت کند و مطابق با آنچه شارع مقدس اراده کرده، جز به وجود حاکمیت حق - که به واسطه شایستگان و برگزیدگان امکان تحقق می‌یابد - رضایت ندهد و بنا به همان اراده الهی در سرنوشت خود دخالت می‌کند. بر این اساس برخی از دستاوردهای امر به معروف و نهی از منکر در این حوزه، در موارد زیر قابل بحث است.

الف - بقاء جامعه انسانی

امر به معروف و نهی از منکر مانند ناظر و اهرم، جامعه را از انحراف، عدم تعادل و خمودی بازمی دارد و با هدایت آن، سلامت همگان را تضمین می کند. شاید به جهت همین ضرورت است که مقوله امر به معروف و نهی از منکر، در احادیث و اخبار واردہ از پیشوایان مucchom علیهم السلام، با عبارت مصلحت همراه با خیر (مطلق) آمده و آن را یکی از اقسام جهاد دانسته‌اند (شیخ صدقه، ۱۳۶۲، ۷۴ و ۱۲۵).
مبانی و پایه‌های فکری و اساسی این مصلحت عظیم و جعل آن به عنوان تکلیف شرعی با استفاده از خطاب‌های قرآنی و سنت پیشوایان مucchom علیهم السلام به دست می آید. آن گونه که درآموزه‌های دینی، امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان معیار و ملاک ایمان و عامل شناخت انسان‌های پرهیزکار قرار داده است (متنی، بی‌تا، ح ۱۴۱۷۴). امام علی علیهم السلام فرمود: «امر به معروف مصلحتی برای عموم جامعه است» (سید رضی، ۱۳۸۱، ۴۵۱). همین تعبیر نیز از حضرت زهرا علیهم السلام روایت شده است: «فرض الله... الامر بالمعروف مصلحة للعامة» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱۴۰۳؛ مجلسی، ۱۳۴۱ق، ۱۰۷/۶).

حضرت رسول اکرم علیهم السلام می فرماید: «مردم همیشه در خیر خواهند بود تا وقتی که امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری می کنند» (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ۱۸۱/۶؛ طبرسی، بی‌تا، ۹۴). در روایات دیگری - که درباره عوایق ناشی از ترک امر به معروف و نهی از منکر بیان شده - اهمیت مصالح مرتبط با جعل این فرضیه، روشن می گردد. پیامبر اکرم علیهم السلام فرمود: «یا امر به معروف و نهی از منکر کنید یا عذاب خدا مسلماً شما را فرامی گیرد» (حر عاملی، ۱۳۹۰، ۴۰۷/۱۲).

امر به معروف و نهی از منکر سبب بقاء جامعه می شود و آثار و نتایج آن همواره در حوزه اجتماعی - سیاسی محسوس و قابل استفاده است. در پرتو امر به معروف و نهی از منکر، آثار منفی عوامل آلوده کننده در فضای اجتماع و آثار

نامطلوب آن از بین خواهد رفت و جامعه، قابلیت اصلاح و تکامل می‌یابد و به عبارت قرآنی با «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبَرِ» (نصر/۳)، که به قول مفسران، بیان گر وجود امر به معروف و نهی از منکر است (طبرسی، بی‌تا، ۳۶۲/۲۷؛ امکان پویایی و اصلاح فراهم می‌شود.

ب - حاکمیت الهی - انسانی

اسلام همان طور که برای راهنمایی، سلامت و سعادت فردی دارای برنامه است، برای سلامت و سعادت اجتماعی هم طرح و برنامه دارد. یکی از مهم‌ترین معروف‌ها، تحقق حاکمیت الهی بر زمین است که به واسطه ولی الهی و جانشین بر حق او در زمین انجام می‌گیرد. در این نگاه خداوند حاکمیت انسانی را به طور اعتباری جعل نموده که اساس آن برگرفته از پایه‌های ایمانی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی است.

مقدمه این امر معرفت نسبت به مفاهیم دینی و آموزه‌های وحیانی، ایمان و عمل صالح است و معیار اصالحت و اعتبار آن پذیرش ولایت معصوم و صالحان و تبعیت از آنهاست. بدین ترتیب صالحان بر امور مسلط شوند. امر به معروف و نهی از منکر، زمینه حاکمیت اهل حق را فراهم می‌آورد و نیز از کار ویژه‌های، حکومت صالحان است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هر کس امر به معروف و نهی از منکر کند؛ جانشین خدا در زمین و جانشین رسول او است» (نوری، ۱۴۰۸ق، ۱۷۹/۱۲). امام صادق علیه السلام پس از وصف تربیت الهی پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «... آن گاه کار دین را به او واگذار کرد و فرمود: هر چه پیامبر برای شما آورد بگیرید و از هر چه نهی تان کرد، خودداری کنید» (کلینی، ۱۳۸۹، ۲۶۵/۱).

در پرتو تبعیت از اوامر و نواهی الهی و پای‌بندی به آن شریعت استوار می‌گردد و حدود الهی در جامعه ایمانی اجرا می‌شود. از این رو باید گفت جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در اسلام، نه فقط به عنوان یک تکلیف

ایمانی است که با استفاده از آموزه‌های دینی؛ راه روشن شریعت، مسیر پرهیزگاری و غایت دین به شمار می‌رود (آمدی، ۱۳۶۶، ح ۶۳۷۳) و به وسیله آن فرائض دیگر برپا می‌شود (کلینی، ۱۳۸۹ق، ۵۶/۵). امام حسین علیه السلام فرمود: «چون این فریضه ادا گردد، دین بر پا می‌شود و فرایض دیگر از آسان و دشوار، بر پا داشته خواهند شد» و فرمود: «چرا که امر به معروف و نهی از منکر دعوت به اسلام همراه با رد مظالم است...» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۲۳۷). حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود: «قوام شریعت و قوام حدود، به امر و نهی است» (محمدی، بی‌تا، ۶۸۸/۱۲).

در اخبار و احادیث منقول از پیشوایان معمصوم علیهم السلام وارد شده است که یکی از دلایل ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر، عدم پیروی از اهل حق و رفتار سازش مآبانه برخی دانشمندان است. بدین معنا که اهل حق امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و تسلط اشرار و ناپاکان بر جامعه، باعث انحراف جامعه و بی‌توجهی به دین می‌شود (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۵۱). قرآن کریم می‌فرماید: **﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَوةَ وَ أَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوُا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾** (حج/۴۱).

همچنین از اخبار دینی دریافت می‌گردد که میان امر به معروف با ولایت اهل حق یا طاغوت و نزول برکات یا قرار گرفتن در نقمت و ظهور مشکلات رابطه مستقیم وجود دارد و علت بسیاری از پیش آمددها، بلاها و نقمت‌ها، ترک امر به معروف و نهی از منکر است. امام رضا علیه السلام فرمود: «سلط اشرار و عدم استجابت دعا به واسطه ترک این فریضه است» (حر عاملی، ۱۳۹۰، ۳۹۴/۱۱) و از سوی دیگر خداوند به واسطه ایمان و لوازم آن، نزول برکت و رحمت الهی را وعده داده و فرمود: **﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنَّ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾** (اعراف/۹۶).

ج - حق انسان در تعیین سرنوشت خود

قابل شدن به حق انسان در تعیین سرنوشت خود، یک مسأله عقلی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ۴۹۴/۴) و اصل مسلم دینی است و کسی حق ندارد این آزادی و اختیار را از او سلب کند (همو، ۱۳۶۲). لازمه پاس داشت این نعمت الهی و بهره‌گیری از آن برای کمال مطلوب، تلازم عقل و شرع و قرارگرفتن در مسیر حق است که می‌توان از آن تعبیر به آزادی تشریعی انسان کرد. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «همانا خداوند سبحان، بندگانش را در حال اختیار فرمان داده و به عنوان هشدار، آنها را نهی کرده است» (سید رضی، ۱۳۸۱، حکمت ۷۵).

مسأله امر به معروف و نهی از منکر یکی از محورهای جبر و اختیار است. یونس به عبدالرحمن روایت می‌کرد: مردی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد: «آیا خداوند بندگان را بر انجام گناهان مجبور ساخته است؟ فرمود: خداوند عادل‌تر از آن است که آنان را بر انجام گناهان مجبور سازد و به خاطر آن کیفرشان کند. عرض کرد: فدایت شوم پس خداوند آن را به بندگان واگذاشته است؟ فرمود: اگر به آنان وامی گذاشت، امر و نهی شان نمی‌کرد؟ عرض کرد: آیا میان جبر و تفویض جایگاه دیگری هم هست؟ فرمود: آری گسترده‌تر از فاصله میان آسمان و زمین» (کلینی، ۱۳۸۹، ۱۵۹/۱، حدیث ۱۱).

بر این اساس می‌توان گفت؛ خداوند اختیار سرنوشت انسان را به عهده خود او گذاشته تا به کمال برسد و شریعت، ارسال رسائل و اوامر و نهی را برای دست یافتن به این هدف قرار داده است. پس امر به معروف و نهی از منکر حلقة اتصال میان حق طبیعی و تکلیف شرعی انسان در تعیین سرنوشت خویش است و چنانچه غیر از این باشد، هم به جهت نادیده‌گرفتن این حق و هم اهمال در انجام اوامر الهی، مورد مُواخذه قرار می‌گیرد.

به عنوان مثال برتر؛ قیام امام حسین علیه السلام فساد حاکم بر جامعه، برای احراق حق الهی انسان بر تعیین سرنوشت خود و عمل به تکلیف دینی بود. از این رو،

مبنای و هدف قیام الهی امام علیل^ع، بر محور امر به معروف و نهی از منکر قرار داشت. تأثیر این امر نه فقط در جامعه آن روز که در هر زمان، انقلابی بزرگ را در حیات انسان و به ویژه در حوزه اجتماعی - سیاسی ایجاد کرده است. نمونه دیگر این ادعا، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است که به ویژه از حماسه عاشورا نشأت گرفته است.

اصول مهمی که در اندیشه سیاسی اسلام مطرح است، مانند نفی استکبار، طرد استبداد، حقوق سیاسی - اجتماعی مردم، استقلال، عزت و حتی برخی مقولات مطرح در دانش سیاسی، مانند توسعه سیاسی، کارآمدی دولت‌ها، دموکراسی، سرمایه اجتماعی و امثال آن، در جامعه دینی براساس اصل امر به معروف و نهی از منکر قابل طرح است. می‌توان گفت امر به معروف و نهی از منکر، سبب حفظ کرامت انسان و تعظیم ارزش‌ها و احتراف حق می‌شود و «دستور اعتراض فرد است علیه فساد و تبهکاری جامعه» (مطهری، بی‌تا، ۳۴۸/۲). لذا چنانچه فرد قدرت آن را یافت تا این فرضیه الهی را در فضای عمومی اقامه نماید، بر او واجب می‌شود (برای اطلاعات بیشتر ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۷۷).

تبیور امر به معروف و نهی از منکر در حوزه سیاسی شامل مشارکت فعال سیاسی، حضور مردم در عرصه انتخابات و همه‌پرسی (بیعت)، حق ناظرات بر امور و تصمیم‌گیری، مشورت و ارائه نظر، نقد کارگزاران، پایبندی به اهداف و همراهی با حکومت اسلامی در جهت دست یافتن به آرمان‌های حقیقی است. امر به معروف و نهی از منکر، حقوق متقابل مردم و حاکمیت را در راستای شریعت و آموزه‌های وحیانی ارائه می‌کند و به واسطه چهار عنصر ناظرات، دخالت، هدایت و حمایت که در تلازم وجودی آن قرار دارد؛ سلامت و بقای جامعه انسانی را تضمین و وصول به کمال مطلوب را ممکن می‌سازد. اصل امر به معروف و نهی از منکر در دیگر عرصه‌های حوزه سیاسی، مانند قابلیت شناسایی آسیب‌ها، حل مسئله و طراحی سیستم نیز حضور دارد و مهم‌تر از این؛ امر به

معروف و نهی از منکر، تئوری جدایی دین از سیاست و مکاتب برخاسته از آن، مانند سکولاریسم و اومنیسم، را به چالش می کشد.

۲. در حوزه تربیتی

شاید بتوان گفت یکی از رسالت‌های مهم امر به معروف و نهی از منکر، تعلیم و تربیت مبتنی بر پایه‌های ایمانی است. این نوع تربیت دینی به انسان می‌آموزد تا باورها و عمل دینی خود را در اجتماع به محک امتحان بگذارد و ضمن دست‌یابی به سلامت معنوی، در راستای توسعه اجتماعی هم قدم بردارد. سؤال این است که: «لوازم و ارکان این تربیت چیست و تمایز آن با دیگر انواع تربیت کدام است؟».

نخستین محور ارائه یک بینش جامع توحید محور و شریعت‌مدار به انسان ایمانی است که لوازم و مختصات آن پیش از این از حیث نظری ذکر شد. معرفت نسبت به اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، به مثابه یک حصن استوار، انسان را در مقابله با نادانی و جهل و جمود، پیروی از هواهای نفسانی، آرزوها و پدیده دنیاگرایی و اصالت دنیا - که ریشه بسیاری از مفاسد و گناهان به واسطه آن است، قوت می‌بخشد و در عوض انسانی مجهر به نیروی عقل، فطرت و شریعت را تربیت می‌کند که به واسطه تبعیت از ولایت حق و معرفت، امکان برخورداری از همه منابع خدادادی را برای دست‌یافتن به کرامت انسانی و عبودیت حضرت حق فراهم می‌آورد.

به واسطه این فرضیه، جامعه انسانی، کمال بالقوه خود را در پرتو اتصال با خالق هستی، بالفعل می‌بیند. رسول اکرم ﷺ فرمود: «هر که امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا بر روی زمین می‌شود» (متقی، بی‌تا، ۵۵۶۴).

امر به معروف و ناهی از منکر، از اعتدال و بلوغ شخصیتی برخوردار است و هدایت و خیرخواهی با وجود او عجین شده است. رسول اکرم ﷺ فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر نکند، مگر این که سه خصلت در او باشد: آن که در امر

و نهی خود مدارا کند، در امر و نهی خود میانه روی کند و به آنچه امر و نهی می کند، دانا باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۷/۱۰).

﴿۱۷۷﴾

اهل امر به معروف و نهی از منکر، امر به حقیقت می کند و از باطل باز می دارند و این همان مسیر کمال است که خود به آن پای بند هستند و لذا آنچه دیگران را به آن دعوت می کنند، نخست در خود می سازند. از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «آنچه نهی می کند خود آن را ترک کند و آنچه که دیگران را امر می کند خود عامل آن باشد، در امر و نهی عدالت ورزد و طریق ملایمت را پیش گیرد» (شيخ صدوق، ۱۳۶۲، ۷۹).

امر به معروف و نهی از منکر براساس آنچه پیش از این آمد، نشانه کرامت انسان و عزتی است که خداوند در درجه اول و عامل آن، یعنی انسان برای خود قائل است و به همین جهت خداوند شأن و منزلت چنین فردی را نزد همگان بالا می برد. پیامبر اکرم علیه السلام فرمود: «امر به معروف کنید تا محفوظ بمانید» (دیلمی، ۱۴۱۳ق، ۱۸). در توضیح رابطه میان امر به معروف و نهی از منکر با امنیت فردی انسان در جامعه می توان گفت کسی که به عنوان یک وظیفه دینی و اطاعت از اوامر و نواهی الهی به امر به معروف و نهی از منکر می نگردد، در واقع ایمان دارد که همه چیز در ید قدرت و اراده الهی است و غیر خدا اختیار و قدرت کاری خلاف آن را ندارد. این نگرش در نحوه انجام تکلیف هم اثر می گذارد. عامل به اوامر و نواهی الهی، همواره آبروی دیگران را حفظ می کند و به قصد خیرخواهی، عیب پوشی و رفع خطأ، امر و نهی می کند. چرا که توجه به شرایط و آداب امر به معروف و مراتب آن بیان گر این نکته است که خداوند به واسطه این فرضیه؛ اراده کرده است تا انسان هدایت شود، به سعادت و رستگاری نائل آید و حريم بندگان مؤمن حفظ شود (بیهقی، بی تا، ۱۶۸/۸).

یکی دیگر از اصول رشد در نظام تربیت الهی، یادگیری، ممارست، تلاش و مراقبه است. بر این اساس شؤونی از فرضیه امر به معروف و نهی از منکر، سوای

شأن تفضلى و عنایت الهى که طرح آن در این مقال نمی گنجد، همانند بسیاری دیگر از تکالیف ایمانی، از طریق حصولی و به صورت یک سیر کمالی تدریجی، قابل دریافت است. از این رو این بخش از معرفت، در زمرة تکالیف ایمانی انسان دیندار قرار دارد. کلام الهی ضرورت توجه به تربیت انسان متعدد را با تأکید بر این فرضه، تصریح نموده و از آن جمله، توصیه لقمان به فرزندش را این گونه بیان می کند: ﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان/١٧).

نیز از این رو است که خداوند انبیاء و اوصیاء ﷺ را مأمور ابلاغ، تزکیه و تعلیم انسان نمود. امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف این گروه می فرماید: «خدا را با خدا بشناسید و رسول را به رسالتش و اولی‌الامر را به امر به معروف و عدل و احسان» (کلینی، ۱۳۸۹، ۸۵/۱). نیز فرمود: «امر به معروف کن تا از اهل معروف باشی» (حر عاملی، ۱۳۹۰، ۱۴۹/۱۶).

منقول است وقتی رسول الله ﷺ آیه ۶ سوره مبارکه تحریریم ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتَنُوا قُوَّا..﴾ را تلاوت فرمود، اصحاب عرض کردند: چگونه خانواده‌مان را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ فرمود: «به آنچه خداوند دوست دارد، امرشان کنید و از آنچه خدا نمی‌پسندد، نهیشان کنید» (سیوطی، ۱۳۶۵، ۲۴۴/۶). شاید بتوان گفت این نوع امر و نهی، تعلیمی است و به معرفت و آگاهی نیازمند است و لذا از آنجا که کسب معرفت به عنوان اصل و مقدمه بندگی و ایمان، واجب است، پایبندی و تعهد به هر آنچه در این مسیر به دست می‌آید هم واجب می‌شود.

خداوند در قرآن کریم امر به معروف و نهی از منکر را از نشانه‌های پیروان حضرت محمد ﷺ برشمرده و می فرماید: ﴿وَلَنْكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران/۱۰۴) و در جایی دیگر علت برتری امت پیامبر ﷺ را از آن جهت می‌داند که به این فرضه عمل می‌کنند و فرمود: ﴿تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ است

(آل عمران/۱۱۰؛ نحل/۹۰). می‌توان گفت یکی از ابعاد مهم زندگی ایمانی، دعوت به خیر و خوبی و بازداشت از منکرات و زشتی‌هاست. این نوع نظام تعلیمی در عین حال که عمومیت دارد، دارای قیود و لوازمی است که مجال پرداختن به آن در این مقاله نیست.

۳. در حوزهٔ عمومی

الف - توسعه و تعالیٰ جامعه

ظهور امر به معروف و نهی از منکر، نتیجهٔ دعوت به حق و احساس مسؤولیت و ارادهٔ انسان در تعیین سرنوشت خود است. به واسطهٔ این اراده و حق‌مداری خلاقیت‌های فرهنگی و تمدنی تجلی یافته و مطابق با وعدهٔ الهی، نعمات و برکات فرود می‌آید، عمران و آبادانی در همهٔ ابعاد حیات اجتماعی و فردی ایجاد می‌شود. اما تحقق این امر، لوازم و شروطی دارد، که از آن جملهٔ فراهم آمدن مقدمات عدالت در همهٔ ابعاد است. در سیرهٔ پیشوایان مucchom علیه السلام، یکی از شروط تحقق عدالت عمل به فریضهٔ امر به معروف و نهی از منکر و مصدق آن دادخواهی و دفاع از حق است (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۲۳۷؛ کلینی، ۱۳۸۹، ۵۶/۵).

از دیگر لوازم و عناصر پویایی اجتماع انسانی و تحقق تمدن، تعهد، مسؤولیت‌پذیری و خیرخواهی و مقابله با فساد است (مطهری، بی‌تا، ۳۴۸). امام حسین علیه السلام در بیان اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و ضرورت آن در تأمین معاش و حل مسائل اجتماعی، در سخنرانی خود خطاب به بزرگان مکه آنها را این چنین هشدار می‌دهد که در نتیجهٔ ترک این فریضه و درگیرشدن به آرزوها، ستمگران را بر خود مسلط نموده و رو به روی خداشناسان قرار گرفته‌اید. آن حضرت علیه السلام همچنین در بیان ارتباط این فریضه با ضرورت تحقق حاکمیت الهی در اولیاء الله علیه السلام، که مصدق اتم آن اهل بیت علیه السلام هستند؛ می‌فرماید: «تا نشانه‌های دین تو را نمایان سازیم و صلاح (آبادانی) را در سرزمینت آشکار گردانیم و بندگان ستمدیده‌ات آسایش و امنیت یابند و فرایض و سنت‌ها و

احکامت به کار بسته شود» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۲۳۷). به واسطه امر به معروف و نهی از منکر؛ جامعه انسانی از روح هدایت و نظارت بر خوردار می‌شود و کسانی که در مصدر کار قرار می‌گیرند با تعهد و امانت کارها را به پیش برد و آنها را به سامان می‌رسانند. امام باقر علیہ السلام فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر واجب است از واجبات الهی ... که به واسطه آن کارها سامان می‌پذیرد» (کلینی، ۱۳۸۹، ۵۶/۵).

ب - تضمین انسجام اجتماعی

رابطه میان امر به معروف و نهی از منکر با همبستگی اجتماعی رابطه‌ای مستقیم است؛ چرا که به واسطه آن، بزرگ‌ترین معروف، که همان توحید و عبودیت است، در جامعه تسری یافته و آرمان‌ها، اهداف و منافع آحاد جامعه در مسیر عبودیت و اجرای اوامر و نواحی الهی قرار می‌گیرد. به علاوه تقویت فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، در بازخوانی اهداف و شناخت مسائل و آسیب‌ها سهم به سزاوی دارد؛ چرا که این فرضه بر اهداف کلان، جذب امکانات و ضرورت مقابله با دشمن، که مانع اصلی پویایی و سعادت اجتماعی هستند، به مقابله برمی‌خizد.

از آنجا که یکی از عوامل تفرقه میان امت‌ها و تسلط دشمنان، اختلاف داخلی و درگیری بزرگان و مشاهیر آنها است، قرآن کریم نخست آحاد مسلمانان و سپس کسانی که دارای نفوذ و محبوبیت اجتماعی هستند، به امر به معروف و نهی از منکر دعوت می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتِ﴾ (آل عمران/۱۰۵).

در این زمینه قرآن بیشتر از الگوی روایت تاریخی بهره گرفته و اخبار پیشینیان را برای تنبه و بصیرت بیان می‌کند تا جامعه اسلامی برای آینده خود بیاندیشد. گروه نمونه قرآنی، بنی اسرائیل هستند که خداوند متعال، ضمن تصریح بر عامل

وحدت شریعت، علت تفرقه و اختلاف آنان را ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر می داند؛ موضوعی که ترک آن سبب رستگاری و سعادت آنان شده و زمینه تجاوز از اوامر و نواهی را برایشان ممکن می سازد (جایه ۱۷). از وجود پیامبر اکرم ﷺ نقل شده، منظور از «بینات»، که در آیه ۱۰۵ سوره آل عمران آمده، همان امر به معروف و نهی از منکر است.

با توجه به آنچه گفته شد و به فرموده امام علی علیه السلام: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، پشت مؤمنان را سخت و محکم می گردداند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۴۸/۶۸) و آنها را در مواجهه با دشمنان قوت می بخشد (کلینی، ۱۳۸۹ق، ۵۶/۵).

ج - تقویت و تعدیل مناسبات اجتماعی

مشارکت در علوم اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی، نشانه توسعه یافتنگی و انسجام اجتماعی به شمار می رود. مشارکت، اعم از آن که حمایت در قالب هدایت و نظارت داشته باشد، با مقوله امر به معروف و نهی از منکر ارتباط می یابد. این مهم در جامعه اسلامی، نه فقط در قالب یک حق که به صورت امر شرعی بر مسلمانان تکلیف شده است. از این رو مؤمنان برادر یکدیگرند و نسبت به یکدیگر از حق ولایت و احساس همبستگی برخوردار هستند. خداوند متعال می فرماید: «مردان و زنان مؤمن دوست و یار یکدیگرند. همواره امر به معروف و نهی از منکر می کنند و نماز را برپا می دارند و زکات می پردازنند و از خدا و رسولش اطاعت می کنند؛ به یقین خدا ایشان را مورد رحمت قرار می دهد، زیرا خداوند عزیز و حکیم است» (توبه ۷۱).

این ولایت به ویژه در حفظ و حراست از شریعت و اجرای اوامر و نواهی الهی بیشتر احساس می شود. رسول اکرم ﷺ فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر کنید و بدانید اساس امر به معروف و نهی از منکر، این است که به سخن من بینجامد و آن را به کسی که حاضر نیست برسانید و او را به پذیرش آن فرمان

دهید و از مخالفتش او را باز دارید که آن فرمانی از جانب خدای من است» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱۵۷/۱).

یکی از وجوه بارز این احساس مسؤولیت اجتماعی، اخوت دینی است. از احادیث موجود دریافت می‌گردد که این احساس همبستگی و همدردی و احساس مسؤولیت نسبت به دیگران، از نشانه‌های محبت ایمانی، بیان‌گر بلوغ و رشد اجتماعی است. امام علی^ع می‌فرماید: «مَنْ أَحْبَّكَ نَهَاكَ» (آمدی، ۱۳۶۶، ۷۷۱۸). همچنین از آن حضرت است که فرمود: «هُرَ كُسْ بِرَأْيِ اصْلَاحٍ مِيَانَ دُوْنَفَرِ، گَامْ بِرَدَارَدْ تَازَمَانِيَ كَهْ بِرْمِيَ گَرَدَ فَرَشْتَگَانْ خَدَا بَرَ اوْ درَودَ مِيَ فَرَسْتَندَ وَ ثَوَابَ شَبَ قَدَرَ بَه اوْ دَادَهَ مِيَ شَوَّدَ» (محمدی، بی‌تا، ۱۶۷/۱۳). از وجود رسول الله^{علیه السلام} منقول است که فرمود: «مَثَالُ كَسَانِيَ كَهْ حَدُودُ الْهَيِّ رَأْبَرَ پَائِيَ نَمِيَ دَارَنَدَ وَ آنَانَ كَهْ درَ اِنْجَامَ آنَ كَوْتَاهِيَ مِيَ كَنَنَدَ، هَمَچُونَ گَرَوَهِيَ اَسْتَ كَهْ درَ كَشْتِيَ قَرَارَ دَارَنَدَ، بَرَخِيَ درَ بَالَّا وَ بَرَخِيَ درَ پَائِينَ؛ كَسَانِيَ كَهْ درَ اِنْتَهَىَ كَشْتِيَ هَسْتَنَدَ، جَمْعَ شَدَهَ مِيَ گَوِينَدَ اَكَّرَ ما بَخْشِيَ اَزَ كَشْتِيَ رَاهَ كَهْ سَهَمَ مَاسَتَ، سَوارَخَ كَنِيمَ اَزَ حَقَ خَوَدَ تَجاَوَزَ نَكَرَدَيمَ. اَكَّرَ اَيْنَ جَمْعَ آنَهَا رَاهَهَ حَالَ خَوَدَ رَهَا كَنَنَدَ، هَمَگَى بَاهَمَ هَلَاكَ مِيَ شَوَنَدَ وَ اَكَّرَ مَانَعَ آنَهَا شَوَنَدَ، هَمَگَى نَجَاتَ پَيدَا مِيَ كَنَنَدَ» (بخاری، بی‌تا، ۱۱۲/۳، ۱۱۲).

یکی دیگر از لوازم تلازم فضایل اخلاقی با امر به معروف و نهی از منکر در این زمینه، دفاع از برادران مؤمن و حفظ آبروی آنهاست؛ به ویژه آن هنگام که حضور ندارند (بیهقی، بی‌تا، ۱۶۸/۸).

از دیگر وجوه ارتباط مستقیم امر به معروف و نهی از منکر با توسعه اجتماعی، ایجاد زمینه مشارکت اجتماعی است؛ چرا که اساس این فریضه بر مشورت، تعاون و عمل برای پیشبرد اهداف اجتماعی و دست یافتن به منافع مشترک است. در این خصوص لحن اخبار و روایات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر، همسویی آن با نصح و موعظه به همراه همکاری و معاونت است، به شرط آن که

قيود و الزامات آن رعایت شود. به عنوان مثال در مشورت، باید کرامت افراد حفظ شود و به واسطه اين فريضه، برخى از منكرات و رذائل اخلاقى مانند غيبيت و تهمت انجام نگيرد. از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آيا امر به معروف و نهى از منكر بر آحاد افراد امت واجب است؟» فرمود: خير». امام علیه السلام در ادامه در پاسخ سؤال كننده که دليل آن را پرسيد؛ به آية ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران و سپس آية ۱۵۹ سوره اعراف استناد فرمود و اضافه کرد: «ولم يقل على امة موسى و لا على كل قومه» (كليني، ۱۳۸۹، ۵۹/۵).

د - ايجاد منزلت اجتماعی و الگوپذیری در جامعه دینی

نشانه تعالي جامعه ايماني، ارزشمندي شايستگان و الگو قراردادن آنها در همه امور است. از اخبار و روایات به دست می آيد، پويایي فريضه امر به معروف و نهى از منكر سبب می شود تا اهل حق از منزلت و شأن اجتماعي بهره مند شده و اعمال و سيرة آنان، ملاک و معيار حق قرار گيرد (ر.ک: رضي، ۱۳۸۱، ح ۵۴۲). مصاديق بارز اين گروه، انباء و اوصياء، عاقلان (اولوا النهى)، صالحان و پرهيزکاران و مصداق اتم و اكميل آن، وجود رسول اكرم علیه السلام و اهلیت علیه السلام می باشند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۲۳/۳۲). دقت در سخنرانی امام حسین علیه السلام خطاب به بزرگان رجال آن زمان - که اعتباری کاذب یافته بودند - بيان گر اين نکته است که امر به معروف و نهى از منكر امر جامعی است که همه اصول و احکام دین را در بر می گيرد و چه بسا اين گروه به واسطه رها کردن آن خوار و ذليل شده اند. آن حضرت جایگاه و اهمیت حضور اين فريضه را در جامعه ايماني اين چنین برشمرده است: «امر به معروف دعوت به اسلام است همراه با رد مظلوم و مخالفت با ستمکاران و تقسيم بيتالمال و غنائم و گرفتن به جای صدقات و هزینه کردن به جای آنها» (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۲۳۷).

به واسطه امر به معروف و نهى، حق آشکار و باطل ناپذید می شود و اهل حق

گمنام نخواهند ماند؛ چرا که مردم به آنچه اقبال کنند، به آن می‌رسند و اقبال به حق، همراه با رهبری و محوریت اهل حق و شایستگان خواهد بود. در نتیجه منکر و اهل آن طرد می‌شوند.

مشی شایستگان بر خیر و حق است و فعل و قول آنان جز اصلاح و اقامه امر به معروف و نهی از منکر، یعنی اقامه احکام و حدود الهی نیست. به جهت ویژگی‌های شخصیتی که دارند محسنات و خوبی‌ها را دریافت می‌کنند و به خاطر آن نسبت به مردم حسن ظن دارند. از مهارت ارتباطی شایسته با دیگران برخوردار هستند و به سرعت انتقال خیر کرده، عامل رواج فضایل و خیر در جامعه می‌شوند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۹۷/۷۱؛ کلینی، ۱۳۸۹ق، ۱۱۴/۲). البته آنچه این گروه را بر انجام امور، مقاوم و مستحکم می‌گرداند، تفضل الهی و امر او است؛ چرا که شایستگان را مأمور کرد تا از حق دفاع و با ناحق به مقابله برخیزند (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق، ۲۳۷).

نتیجه‌گیری

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از گزاره‌های مهم دینی برگرفته از نظام واره جامع و جاودانه اسلام است و نسبت میان آن با زندگی اجتماعی، عینی و ضروری است؛ چرا که امر به معروف و نهی از منکر ضامن بقاء جامعه و ناظر بر مصلحت عمومی است. دستاوردهای این فریضه الهی در حوزه اجتماعی غیر قابل احصاء است. از آن جمله امر به معروف و نهی از منکر، با ارائه یک الگوی جامع از زندگی مبتنی بر پایه‌های ایمانی و قائل شدن به حق الهی انسان بر تعیین سرنوشت خود، بر ضرورت حضور دین و آموزه‌های وحیانی در مدار حرکت اجتماعی، به عنوان یک اصل محوری تأکید می‌کند.

نیز با طرح گستره شمول امر به معروف و نهی از منکر در چهار حیطه هدایت، حمایت، نظارت و دخالت، جامعه ایمانی را ملزم به پاسداشت این فریضه الهی نموده و در تلاش است تا با حضور فعال در عرصه مشارکت سیاسی و عمومی،

در مقام یک مربی متعهد، صالح، حکیم و عادل ایفای نقش کند. این مهم برگرفته از نظامواره معرفتی دینی است که یکی از ارکان مهم و حیاتی آن ایجاد امکان مدیریت و حاکمیت در جامعه و قرار گرفتن افراد شایسته در مصدر امور است. به علاوه در پرتو این اصل به عنوان یکی از فرایض الهی، جامعیت آموزه‌های وحیانی اسلام و رسالت پویای دین در کمال انسانی دریافت می‌گردد. امر به معروف و نهی از منکر از حیث عملی به ویژه در مقولاتی همچون رابطه دین و سیاست، نظام اقتصادی، مناسبات اجتماعی، تعاملات فرهنگی، خدمات عمومی، خلاقیت‌های اجتماعی وارد عمل شده و مهم‌ترین هدف آن توسعه و تعالی جامعه انسانی هم‌سو با نظام تکوین و تشریع و جلوگیری از انحطاط و رجعت به باطل و زشتی‌هاست.

از نظر جامعه‌شناسی ایمانی، احساس مسؤولیت جمعی، که با عبارت امر به معروف و نهی از منکر بیش تر همخوانی دارد، توسعه، سلامت و کمال اجتماعی را نه فقط حق انسان که در زمرة تکالیف الهی او به شمار آورده و با تقویت اراده و اختیار او را به سرنوشتی سعادت‌مند رهنمون می‌شود. امر به معروف و نهی از منکر قادر است تا علاوه بر ایجاد جهان‌بینی الهی در جامعه دینی، امکانات بالقوه بشری را بالفعل و آن را در مسیر صحیح رهبری کند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
- ۱. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، *غیرالحکم و درر الكلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲. ابن حنبل، احمد (بی‌تا)، *مسند احمد*، بیروت، دارصادر.
- ۳. ابن سالمه (۱۴۰۵) (اق)، *مسند الشهاب*، حمدی سلفی، بیروت مؤسسه الرساله.
- ۴. ابن شعبه حرانی (۱۴۰۴) (اق)، *تحف العقول عن آل الرسول*، تحقيق على اکبر غفاری، قم، النشر الاسلامی، چاپ دوم.
- ۵. ابن کرامه، شرف‌الاسلام (۱۴۲۰) (اق)، *تنبیه الغافلین عن فضایل الطالبین*، تحقيق تحسین آل سیب، مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی.
- ۶. ابونعمیم اصبهانی (۱۹۳۵م)، *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، مصر.
- ۷. بخاری، محمد (بی‌تا)، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر.

٨. بی نا (بی تا)، نهج الفصاحة، ترجمة ابو القاسم پاینده، تهران، امیر کبیر.

٩. بیهقی، احمد (بی تا)، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر.

١٠. جوادی آملی (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق بشر، چاپ دوم، قم، نشر اسراء.

١١. حر عاملی، محمد (۱۳۹۰)، وسائل الشیعه، تصحیح ربانی شیرازی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

١٢. حریری، محمد یوسف (۱۳۸۴)، فرنگ اصطلاحات قرآنی، قم، هجرت.

١٣. دیلمی، حسن (۱۴۱۳ق)، ارشاد القلوب، سید رضی، بی جا.

١٤. سبعانی، جعفر (۱۳۷۶)، نظام اخلاقی اسلام، قم، مؤسسه امام صادق علیہ السلام، چاپ چهارم.

١٥. سید رضی (۱۳۸۱)، نهج البلاغه، ترجمة محمد دشتی، قم، انصاریان.

١٦. سیوطی، جلال الدین (۱۳۶۵ق)، الدر المنشور فی تفسیر المأثور، بی جا، دارالمعرفه.

١٧. شیخ صدوق، محمد (۱۳۶۲)، الخصال، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.

١٨. شیخ طوسی، محمد (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تحقیق شیخ علی خرسان، بی جا، دارالكتب الاسلامیه، چاپ چهارم.

١٩. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، چاپ دوم.

٢٠. طبرسی، احمد (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق محمد باقر خراسانی، مشهد، نشر مرتضی.

٢١. طبرسی (بی تا)، مجتمعالبيان فی تفسیر القرآن، ترجمة محمد یستونی، آستان قدس رضوی.

٢٢. کلینی، محمد (۱۳۸۹)، الكافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بی جا، دارالكتب الاسلامیه، چاپ دوم.

٢٣. متنقی هندی (بی تا)، کنزالعمال، تحقیق بکری حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله.

٢٤. محمدی ری شهری (بی تا)، میزان الحكمه، قم، دارالحدیث.

٢٥. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانتوار، بیروت، الوفاء، چاپ دوم.

٢٦. مطهری، مرتضی (بی تا)، مجموعه آثار، تهران، صدرا.

٢٧. معین، محمد (۱۳۶۲)، فرنگ معین، تهران، امیر کبیر.

٢٨. موسوی خمینی (بی تا)، امام روح الله (۱۳۷۸)، صحفة امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (بی تا).

٢٩. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

٣٠. ورام بن ابی فراس (بی تا)، مجموعه ورام، قم، مکتبه الفقیه.